

ORIGINAL ARTICLE

An introduction to the general rules of Ayatollah Khamenei's method of interpretation

Maysam Azizan

Department of Quran and Hadith
Sciences, University of Qom, Iran.

Correspondence:
Maysam Azizan
Email: m.azizan590@gmail.com

Received: 24 Jul 2022
Accepted: 31 May 2025

How to cite

Azizan, M. (2024). An introduction to the general rules of Ayatollah Khamenei's method of interpretation. *Journal of Qur'anic Interpretation and Language*, 13(2), 18-31.
(DOI:10.30473/quran.2025.64883.3170)

ABSTRACT

Each method, starting from the basics and based on practical rules and regulations that reduce the error in the principle of interpretation and method of interpretation, uses resources to provide a legal and methodical interpretation. In the structure of the method of interpretation, the rules are divided into general and specific types. The general rules reduce the error in the principle of interpretation, but do not play a role in the immunity of the method and the tendency of interpretation from error. And special rules are the rules that protect the correct movement of the interpreter at the border of her method and her interpretive tendency from error. In this article, after examining the place of rules in the systematic structure of the method of interpretation, with a study of Ayatollah Khamenei's interpretations, some types of general rules have been introduced that have not been comprehensively divided and prevented. Ayatollah Khamenei's interpretation of the rules, despite being up-to-date, is also legal. These rules are: Quran-centered word, symmetrical-centered, source-centered and principles-centered.

KEYWORDS

Interpretation of Ayatollah Khamenei, method of interpretation, rules of interpretation, general rules.

پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن

سال سیزدهم، شماره دوم، پیاپی بیست و چهارم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (۳۱-۱۸)

DOI: 10.30473/quran.2025.64883.3170

«مقاله پژوهشی»

درآمدی بر قواعد عام روش تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای

میثم عزیزان

گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، ایران.

نویسنده مسئول:

میثم عزیزان

رایانامه: m.azizan590@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰

چکیده

هر روش، از مبانی، آغاز و بر اساس قواعد و قوانینی کاربردی که از خطا در اصل تفسیر و روش تفسیر جلوگیری کرده و به بهره‌گیری از منابع پرداخته تا تفسیری قانونمند و روشمند ارائه دهد. در ساختار روش تفسیر، قواعد به دو قسم عام و خاص تقسیم می‌شوند. قواعد عام، خطای در اصل تفسیر را کاهش داده ولی در مصونیت روش و گرایش تفسیری از خطا نقش ندارند و قواعد خاص، قوانینی‌اند که به حرکت درست مفسر در مرز روش و گرایش تفسیری‌اش از خطا مصونیت می‌بخشند. در این مقاله، پس از بررسی جایگاه قواعد در ساختار نظامند روش تفسیر، با پژوهشی در تفسیرهای آیت‌الله خامنه‌ای، برخی از اقسام قواعد عام که تقسیم جامع و مانعی از آنها ارائه نگردیده، معرفی شده‌اند. این قواعد نشان می‌دهند که تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای علیرغم روزآمدی، قانونمند نیز هست. این قواعد عبارتند از: لغت قرآن‌محوری، قرینه‌محوری، منبع‌محوری و اصول‌محوری.

واژه‌های کلیدی

تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای، روش تفسیر، قواعد تفسیر، قواعد عام.

استناد به این مقاله:

عزیزان، میثم (۱۴۰۳). درآمدی بر قواعد عام

روش تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای. پژوهشنامه

تفسیر و زبان قرآن، ۱۳(۲)، ۳۱-۱۸.

(DOI:10.30473/quran.2025.64883.3170)



مقدمه

در تفسیر باید قوانینی برای مصونیت از خطا، وجود داشته باشد. از این قوانین در روش تفسیر با نام قواعد یاد شده و به دو دسته‌ی عام و خاص تقسیم می‌شوند. قواعد عام، خطای در اصل تفسیر را کاهش داده و مصونیت روش و گرایش تفسیری از خطا نقش ندارند ولی قواعد خاص، قوانینی‌اند که علاوه بر تفسیر، به حرکت درست مفسر در مرز روش و گرایش تفسیری‌اش از خطا مصونیت می‌بخشند. آثار گوناگونی از قرن هشتم تاکنون با موضوع قواعد تفسیر به قلم شیعه و سنی به نگارش درآمده است (تهرانی، بی‌تا: ۴۸۹/۴؛ عبدالسمیع حسین، ۲۰۰۶م: ۱۹). اصول التفسیر و قواعد (العک، خالد عبدالرحمن، ۱۴۰۶هـ) قواعد التفسیر جمعا و دراسه (السبت، خالد بن عثمان، ۱۴۲۶هـ) و قواعد التفسیر لدی الشیعه و السنی (المبیدی، ۱۴۳۰هـ) و مقالاتی با عنوان امام رضا و قواعد تفسیری (آخوند، ۱۳۹۶ش) و نقد عقیده اخباریان با قواعد برآمده از روایات تفسیر عصری (خالصی مقدم، قاسم‌پور، ۱۳۹۹ش)، از جمله‌ی آنها است. در این آثار، در خصوص توجه به نظامندی روش تفسیر و جایگاه قواعد در این نظام، ارائه‌ی تعریفی جامع و مانع از قواعد و به دنبال آن عدم اشاره به اقسام و مصادیق کلی قواعد براساس تعریف ارائه شده، تحقیق نشده است. تنها منبعی که با موضوع مقاله ارتباط دارد کتاب مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است که آن نیز با اشکال‌های مورد اشاره روبه‌رو است.

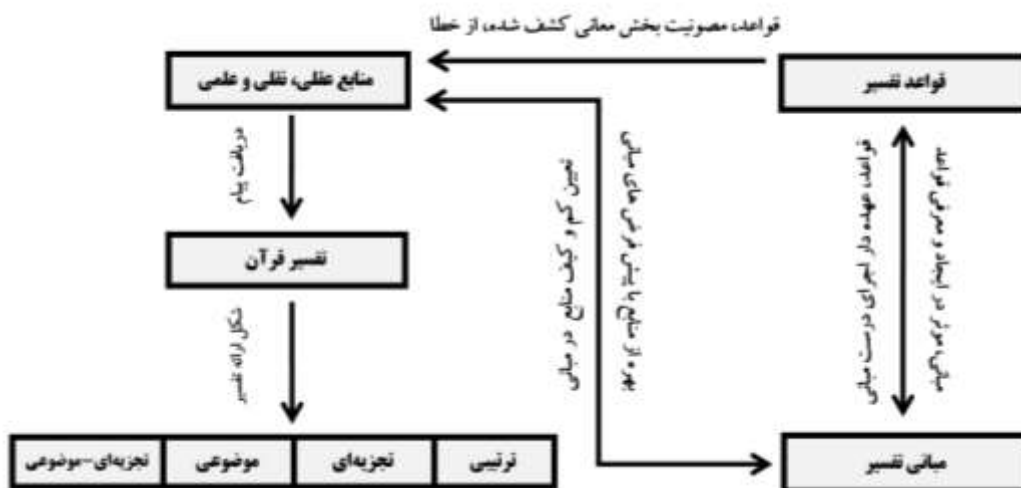
با توجه به نقش سیاسی و اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای و استفاده همیشگی از آیات، قواعد و قوانین عام تفسیری وی به عنوان مفسری معاصر، بررسی شده تا در گام نخست با توجه به جایگاه قواعد، برخی از این قسم قواعد که تقسیم جامع و مانعی از آنها ارائه نگردیده، تحقیق شوند و در گام دیگر، نمونه‌هایی از تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یکی از مفسران معاصر مورد پژوهش قرار گیرد. با این رویکرد، چند مساله در پیش روی تحقیق قرار دارد: ۱. قواعد چه تعریفی دارد و جایگاه قواعد در نظام روش تفسیری چگونه است؟ ۲. قواعد تفسیر دارای چه اقسامی است؟ ۳. قواعد عام تفسیر در تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای کدام‌اند؟ برای استخراج سخنان تفسیری

آیت‌الله خامنه‌ای از کتاب بیان قرآن (تفسیر سوره‌ی براءت) (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش) که از مهمترین کتاب‌های به چاپ رسیده تا زمان نگارش مقاله بود و همچنین، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار ایشان استفاده شده است.

جایگاه قواعد تفسیر در روش تفسیر

برای دستیابی به جایگاه قواعد در روش تفسیر، باید دو اصطلاح «روش تفسیر» و «قواعد تفسیر» مفهوم‌شناسی شوند. «روش»، واژه‌ای فارسی است که در لغت‌نامه‌های فارسی، همچون ناظم‌الاطباء، معانی متفاوتی چون طریق و حرکت، طرز و رسم خرامیدن، حرکت و آمد و شد، بیان نموده و دهخدا، به معنای شیوه، اسلوب و سبک نیز اشاره کرده است.

شهید مطهری در واژه‌شناسی لغت سبک، آن را با روش مترادف دانسته است. سبک همچون نقره‌ی گداخته، قالبی محکم و ثابت دارد و معنای عدم تغییر و ثبات را در خود جای داده است. روش تفسیر، در اصطلاح، به مفاهیمی چون مبانی، منابع، قواعد و گرایش در تفسیر، تعریف شده است. چنین تعاریفی، به دلیل عدم ترادف با روش، عدم ارائه دلیل برای بیان این تعاریف، خلط مفاهیم، محدودسازی مفهوم کلی روش تفسیر در مفاهیم جزئی و غفلت از شکل نظامند روش‌ها، نیازمند بازخوانی هستند. در شکل‌گیری هر روش، تمام مفاهیم چهارگانه‌ی مبانی، قواعد، منابع و گرایش، نقش مؤثری دارند و غفلت از هر مفهوم، تصویر نادرستی از تعریف روش ارائه خواهد داد. با توجه به تعریف ارائه شده از تفسیر که آن را کشف معانی آیات، مراد متن و مراد مؤلف دانسته‌اند، می‌توان گفت که «روش یا سبک تفسیری شیوه‌ی نظامندی است که از مبانی آغاز و با به کارگیری قواعد، از منابع عقلی، نقلی و علمی، معانی آیات، را استنباط می‌کند و تفسیر را در شکل‌های ترتیبی، موضوعی، تجزیه‌ای یا ترتیبی - موضوعی ارائه می‌دهد». در شکل زیر جایگاه قواعد تفسیر در ساختار روش تفسیر و نوع ارتباط آنها مشخص است (عزیزان، ۱۳۹۹ش: ۱۹۴):



نمودار ساختار روش تفسیر و اجزاء آن

اجزاء ساختارمند و نظاممند روش تفسیر که شامل مبانی، قواعد، منابع و گرایش می‌شود، با یکدیگر مرتبط هستند و در این میان، بین دو جزء مبانی و قواعد، ارتباط مستقیمی وجود دارد. در شرایط مطلوب، به ازای هر مبانی تفسیری، قاعده‌ای کاربردی برای رعایت آن مبنا یا مبانی وجود دارد. برای مثال اگر در مبنا، مفسر به پیوند معنایی آیات باور دارد در استفاده از قاعده‌ی قرینه‌محوری و بهره از قرینه سیاق، ناگزیر است. یا مفسری که به وجود باطن قرآن اقرار دارد، باید از قاعده‌ی جری و تطبیق استفاده نماید (پهلوان، ۱۳۹۲: ۷).

اقسام قواعد تفسیر

قواعد تفسیر به طور کامل گردآوری و تقسیم‌بندی نشده‌اند و برخی مصادیق گردآوری شده، شرایط قاعده‌ی تفسیری را به چند دلیل ندارند و به اصلاح نیازمندند: ۱. مصادیق بیان شده، عمل مصون‌سازی مفسران از اشتباه را به عنوان کارکرد اصلی قواعد، دارا نیستند. ۲. قواعد بیان شده، از ویژگی کلی بودن، برخوردار نبوده و امکان ادغام چند قاعده با هم وجود دارد. ۳. برخی مصادیق ارائه شده با تعریف قواعد، تناسبی ندارند و محققان در ارائه‌ی مصادیق به اشتباه رفته‌اند. به عنوان نمونه، صاحب «التیسیر فی اصول و اتجاهات التفسیر»، کار قواعد را، ایجاد فاصله بین مفسر و اشتباه در فهم می‌داند، اما در مصادق با ارائه‌ی مصادیقی چون، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ، اسباب نزول، محکم و متشابه و... (عبدالسمیع حسین، ۲۰۰۶: ۱۴)، تقسیمی کلی ارائه نداده و کارایی آنها در مصونیت بخشی به تفسیر را به درستی تبیین نکرده است.

در بیان مفهوم قاعده، لغت‌شناسان به معنای «پایه و اساس» به عنوان معنایی مشترک اتفاق نظر دارند. آنها، «القواعد البیت» را «اساس البیت» معنا نمودند (فراهیدی، ۱۴۱۴ هـ: ۱۴۲/۱؛ ابن فارس، ۱۴۲۰ هـ: ۱۰۸/۵؛ ابن منظور، ۱۴۳۰ هـ: ۳۵۷/۳). یعنی برای برپایی و استواری هرخانه، وجود قواعد و ستون‌ها، لازم است و استقامت دائمی هر خانه به عدم تغییر و ثبات این قواعد وابسته است. از این‌رو در عدم تغییر هر روش و سبک تفسیری، قواعد نقش محوری دارند. «کلی بودن» و «ضابطه و قانون بودن» هر قاعده، وجه اشتراکی است که در تعاریف صاحب‌نظران به آنها اشاره شده است. خالد بن عثمان قاعده را به «حکم کلی» تعریف کرده که «هی حکم کلی یتعرف به علی احکام جزئیاته». (السبت، ۱۴۲۶ هـ: ۲۳) وی در ادامه و در تفاوت آن، با تفسیر می‌نویسد «تفسیر، توضیح معانی و شرح آنها است که بر پایه‌ی قوانین که قواعد نام دارند، استوار است» (همان، ۳۳). الفیومی معنای ضابطه را به توضیح قاعده اضافه می‌کند و بر این باور است که قاعده امری کلی و منطبق بر تمامی جزئیات می‌باشد (مصباح المنیر، ذیل ق ع د). مساعد یحیی نیز قواعد را امری کلی و منضبط می‌داند (الطیار، ۱۴۲۸ هـ: ۸۷). با توجه به نکات لغوی و اصطلاحی «قواعد تفسیر، قوانینی، ثابت، کلی و کاربردی برای تفسیر قرآن‌اند که مبتنی بر پایه‌های متقن عقلی، نقلی و علمی می‌باشند و رعایت آن‌ها هر روش تفسیری را ضابطه‌مند می‌کند و موجب کاهش خطا در تفسیر، روش‌ها و گرایش‌های آن می‌شود.» از چالش‌های پیش روی تفسیر، استنباط اشتباه و پیام‌گیری غلط از آیات است که شناخت قواعد تفسیر و به کارگیری آنها را ضروری می‌سازد.

با توجه به تعریف ارائه شده از قواعد، قواعد روش تفسیری، به دو دسته کلی عام و خاص تقسیم می‌شوند. قواعد عام، قوانینی، ثابت، کلی، کاربردی و مبتنی بر پایه‌های متقن عقلی، نقلی و علمی، در تمام روش‌های تفسیری هستند که خطا در اصل تفسیر را کاهش می‌دهد. تفاسیری که از سوی مفسران بدون توجه این قوانین ارائه می‌شوند، پیام آیات نیست، بلکه تحمیل پیام به قرآن است. این قواعد اقسامی دارد که پرهیز از رأی محوری (تابان، بی‌تا: ۶۶؛ کمالی، ۱۳۵۴: ش: ۱۵۳)، لغت قرآن محوری (فتاحی‌زاده، ۱۳۸۹: ش: ۵۰؛ تابان، بی‌تا: ۵۹؛ فتح‌الهی، بی‌تا: ۲۵؛ السبت، ۱۴۲۶: ۲۱۳-۷۰۰)، قرینه محوری (تابان، بی‌تا: ۶۰-۶۶؛ مختاآبادی، ۱۳۹۴: ش: ۱۲؛ فتح‌الهی، بی‌تا: ۲۵)، مبنامحوری، منبع محوری (عبدالسمیع حسین، ۲۰۰۶: م: ۲۰؛ الطیار، ۱۴۲۸: ۳۰ و ۷۰)، اصول محوری (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ش: ۵۶)، دلالت محوری (المبیدی، ۲۶۵؛ تابان، بی‌تا: ۶۸؛ فتح‌الهی، بی‌تا: ۲۵؛ السبت، ۱۴۲۶: ۶۲۶) از جمله‌ی آنان است.

قواعد خاص نیز، قوانینی، ثابت، کلی، کاربردی و مبتنی بر پایه‌های متقن عقلی، نقلی و علمی هستند که از خطا در روش و گرایش تفسیر جلوگیری می‌نماید و موجب حرکت بدون اشتباه مفسر در مرز روش و گرایش تفسیری‌اش، می‌گردند. اقسام قواعد خاص، در روش‌های مختلف، با همان روش و گرایش تفسیری تناسب دارد.

قواعد عام روش تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای

تفسیر، بدون قواعد عام، ماهیت خود را از دست می‌دهد و نمی‌توان از تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای در پیام‌گیری‌های روزآمد و کاربردی از آیات، تلقی تفسیر را داشت. آیت‌الله خامنه‌ای از ابتدای شکل‌گیری انقلاب تا زمان زعامت بر انقلاب، رویکردی همیشگی و روزآمد به آیات داشته است. مجموعه‌های تفسیری با عنوان تفسیر سوره توبه، تفسیر سوره مجادله، سخنرانی‌ها و... از ایشان گردآوری شده که به عنوان منابع تفسیر، مورد مراجعه قرار گرفته است.

لغت قرآن محوری

برای فهم و تفسیر هر متن، شناخت معانی واژگان، دستور زبان و صنعت ادبی آن متن، لازم است. از آنجایی که قرآن به زبان عربی نازل شده، گستردگی این قاعده‌ی تفسیری، به گستردگی زبان عربی است. در این قاعده، میان لغت قرآن با زبان قرآن تفاوت وجود دارد. زیرا مباحث صرفی و لغت‌شناسی، موضوعات نحوی و علوم

بلاغی از مصادیق لغت قرآن و مباحثی همچون زبان قوم، زبان هدایت، زبان عرفی و...، از عناوین زبان قرآن به شمار می‌آیند. برخی صاحب‌نظران، قواعدی از دستور زبان در عربی را همچون مباحث لغوی (السبت، ۱۴۲۶: ۲۴۷)، امر، نهی و استفهام (المبیدی ۱۴۳۰: ۲۳۸-۲۵۵)، التفات (همان، ۱۶۵) و التاسیس اولی من التأكيد (الطیار، ۱۴۲۸: ۱۱۷) را به طور مستقل، یک قاعده به شمار آوردند که در این پژوهش تمام آنها در قاعده‌ی «لغت قرآن محوری» جای گرفته‌اند و در چند عنوان از جمله «صرف الفاظ قرآن»، «معنای لغوی الفاظ»، «ترکیب نحوی آیات» و «مباحث علوم بلاغی» بررسی خواهند شد.

در این قاعده، تا جایی که بررسی صرفی لغات در معنا مؤثر باشد، مفسر نباید از آن غفلت کند. به عنوان مثال آیت‌الله خامنه‌ای، در مورد واژه‌هایی چون «قَعَدَ» و «الْمُخْلَفُونَ» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ش: ۵۵۴)، «الْمُعَذَّرُونَ» (همان، ۵۸۵)، «الْأَعْرَابُ» (همان، ۵۸۶)، «الْمُطَوَّعِينَ» (همان، ۵۴۰) بحث صرفی و تفسیری پیش گرفته است. در مورد تحلیل صرفی و معنایی واژه‌ی «الْمُعَذَّرُونَ» چنین بیان داشته:

«در معنای آیه اختلافی است که شاید منشأ آن، اختلاف در معنای «معذرون» باشد. احتمال اول این است که معذّر به معنای «مقصر» از باب تفعیل باشد. «عذّر» یعنی «قصر»؛ پس معذّر به معنای کسی است که درکاری کوتاهی کرده. احتمال دوم این است که معذّر به معنای «معتذر» اسم فاعل از باب افتعال باشد و «تعذیر» هم مصدر آن. معتذر به کسی گفته می‌شود که تقصیری ندارد بلکه عذری با خود آورده. بعضی گفته‌اند که آیه هر دو معنا را شامل می‌شود؛ یعنی معذّر هم به معنای مقصر است و هم به معنای معتذر که ما هم این حرف را قبول داریم.» (همان، ۵۸۵).

پس از بررسی صرفی لغات، مفسر به دنبال دریافت معنایی درست از هر لفظ است. برای مثال واژه‌های «کافر»، «بشارت»، «فسق»، «عمران»، «تاب»، (همان، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۵۳، ۱۲۱، ۱۷۷) را معناشناسی نموده است. در معنای «فلاح» بیان داشته:

«معمولاً «مفلح» را رستگار معنا می‌کنند و «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» را به معنای «مؤمنان رستگار شدند» معنا کرده‌اند؛ اما آنچه به حسب لغت به دست آمده، آن است که «فلاح» به معنای «موفق شدن» و «دست یافتن به مطلوب و خواسته‌ی خود» است، در حالی که «رستگاری» به معنای خلاص شدن و آزاد شدن.» (همان، ۵۸۱).

گاهی آیه، ترکیب‌های نحوی مختلفی دارد که برای دریافت معنایی صحیح، باید یکی از آنها را برگزید و با ترکیبی درست، از

اشتباه، مصون ماند. در ترکیب نحوی آیهی ۱۴۲ سوره توبه «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ» چنین گفته است: «براساس ترکیب نحوی، «يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ» جواب و جزای شرط است؛ همانند صَلَّ تَزُكُّ؛ نماز بخوان تا تزکیه شوی؛ یعنی اگر نماز خواندی پاک خواهی شد. بنابراین معنای عبارت چنین است؛ با این‌ها مقاتله کنی و درگیر شوی تا خدا آنها را عذاب کند.» (همان، ۱۴۲).

مفسر در مورد جواب شرط «لو» و تأثیر آن در مفهوم آیهی «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ...» عنوان نموده که:

«جواب «لو» در آیه نیامده، ولی به قرینه سیاق روشن است که جملهی «لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ» در تقدیر است و این حذف از ذکر آن بلیغ‌تر و رساتر است.» (همان، ۳۷۹).

آیت‌الله خامنه‌ای گاهی چند قاعده‌ی تفسیری را به طور هم‌زمان برای فهم آیه به کار گرفته است. در مثال قبلی، از قاعده‌ی «قرینه‌محوری» در کنار قاعده‌ی «لغت قرآن‌محوری» بهره برده، که بیانگر روش قانونمند در تفسیر است. برخی از مفسران، با انگیزه‌ی فضلیت‌سازی برای اصحاب پیامبر(ص) در تفسیر، بخشی از آیهی ۴۰ سوره توبه ضمیر مفعولی را به صحابی پیامبر(ص) برگرداند که مفسر، با استفاده از دو قاعده‌ی «قرینه‌محوری» در کنار قاعده‌ی «لغت قرآن‌محوری» پیام آیه را درست بیان نموده و روایات مؤید نظر مفسران را جعلی دانسته است:

«سیاق آیه نشان می‌دهد، اگر انزال سکینه را بر رفیق پیامبر(ص) بدانیم، لازم می‌آید ضمیر در «أَيَّدَهُ» نیز به همراه پیامبر(ص) برگردد؛ چراکه ضمیر در «عليه» و «أَيَّدَهُ» مرجع واحدی دارند.» (همان، ص ۲۷۵).

در این تفسیر، توجه به سیاق، بیانگر توجه به قاعده قرینه‌محوری و اشاره به مرجع ضمیر در تفسیر، به قاعده لغت قرآن‌محوری اشاره دارد.

برخی مفسران همچون زمخشری با استفاده از دانش بلاغت و گرایش به این قاعده آیات را تفسیر نموده است و آیت‌الله خامنه‌ای در حد امکان، از علوم بلاغی و عناوینی همچون التفات، کنایه، التاسیس اولی من التاکید، حصر، تعطف و استفهام نیز برای نیل به تفسیر درست غفلت ننموده است.

انتقال هریک از تکلم، یا خطاب یا غیبت به دیگری برای دستیابی به غرض و هدفی بلاغی (ناصری راد، ۱۳۹۴: ۱۹۱) و هرگونه تغییر خلاف عادت در روند و روال کلام است (رادمراد،

۱۳۹۱: ۸۶) و در قرآن در هشت گروه جای می‌گیرند. تغییر در ضمائر، عدد، حروف اضافه، مخاطب، زمان فعل، حالت دستوری، کاربرد اسم به جای ضمیر، کاربرد دو اسم هم معنا به جای همدیگر از جمله اقسام التفات هستند (همان، ۹۰). به دلیل اهمیت التفات، صاحب کتاب «قواعد التفسیر لدی الإمامیه وأهل السنّة» آن را قاعده‌ای مستقل در تفسیر به شمار آورده است (المبیدی، ۱۴۳۰: ۱۶۵). مفسر، در ضمن تفسیر آیات ۶۸ و ۶۹ سوره توبه به یکی از اقسام التفات در ضمیر، اشاره دارد:

«درآیهی بعد «كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» خطابى آمده که از حالت غیبت در آیهی قبل به حالت خطاب برگشته است و مردمی را خطاب قرار می‌دهد و آنها را به گذشتگان‌شان تشبیه می‌کند. این دو آیه با هم ارتباط دارند و باید بین این دو جمع کرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۴۵۳).

علاوه بر فایده‌ی ایجاد ارتباط میان آیات، التفات از ضمیر غایب به مخاطب فواید دیگری همچون نکوداشت، نکوهش، تهدید و درخواست را دارا است (رادمراد، ۱۳۹۱: ۹۳).

کنایه، لفظی است که لازم معنایش از آن اراده شده است و به قولی ترک تصریح به چیزی به آنچه در لزوم مساوی آن است که از آن به ملزوم منتقل گردند (سیوطی، ۱۴۲۶: ۱۵۵/۲). آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر «ثَأَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ» بر این باور می‌باشد، این عبارت در یک معنا کنایه از دیرجینیدن و دیر حرکت کردن و در معنای دیگر، دلبستگی به حیات مادی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۲۵۹).

صاحب کتاب «فصول فی اصول التفسیر»، عنوان «التأسیس اولی من التأكيد» را قاعده‌ای مستقل برشمرده است (الطیار، ۱۴۲۸: ۱۱۷). در باور زرکشی اگر بتوان لفظی را به معنای جدید حمل کرد از حمل آن به معنای گذشته باید پرهیز نمود؛ زیرا این عمل از بلاغت بیشتری برخوردار است (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱۹۸/۳). در باور آیت‌الله خامنه‌ای، کلام الهی تکرار ندارد و در هر کلامی از قرآن رازی نهفته است که هر وقت انسان به اوج کمال برسد آن را می‌فهمد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۴۹۷). مفسر در آیهی ۷۲ از سوره توبه، دو فراز «جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ» و «مَسَاكِينٌ طَيِّبَةً فِي جَنَاتٍ عَدْنٍ» را تکرار نمی‌داند:

«بنابراین نمی‌توانیم بپذیریم که مقصود از «مَسَاكِينٌ طَيِّبَةً فِي جَنَاتٍ عَدْنٍ» همان بهشت‌هایی باشد که در فراز اول گذشت، منتها با ذکر استقرار و عدن بودن. از این‌رو این فراز باید در صدد بیان مطلبی تازه باشد.» (همان، ۵۰۷).

۱۴۲۶هـ: ۲/۲۵۱). آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی توبه به این معنای مجازی (غیر حقیقی) از استفهام اشاره نموده است: «در آیه‌ی «أَلَا تَتَّقَاتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ» فرمانی بلیغ و رسا خطاب به مؤمنان برای جهاد و قتال با مشرکان صادر شده است. فرمان می‌تواند به گونه‌هایی صادر شود: گاه به صورت مستقیم فرمان داده می‌شود؛ مثلاً می‌گوید: نماز بخوان! و گاه در قالب استفهام می‌پرسد آیا نماز نمی‌خوانی؟ گونه‌ی دوم به شهادت اهل فن رساتر و جذاب‌تر است. دستور آیه از گونه‌ی دوم است که در قالب استفهامی، امر به جهاد کرده است: آیا با مردمی که پیمان‌های خود را شکستند مقاتله نمی‌کنید؟» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش: ۱۳۴).

قرینه‌محوری

مفسر باید به همه علائم و قرائن ممکن در فهم متون دینی توجه داشته باشد. از آنجایی که هر قرینه می‌تواند مرتبه‌ای از ظن را بیافریند، مجموع قرائن سیاق، آیات، روایات و... سبب تراکم ظنون خواهد شد که این تراکم، مفسر را به فهم معنا و نیل به یقین، نزدیک خواهد نمود (مصباح، ۱۳۹۴ش: ۲/۱۳۸). قرائن کلام، انواعی دارد و به دو دسته‌ی پیوسته و ناپیوسته تقسیم می‌شود. (همان، ۱۴۳/۲) قرینه پیوسته به دو دسته لفظی و غیر لفظی قابل تقسیم است. تناسب آیات که از مبنای چینش توقیفی آیات برخاسته، مصداقی برای قرینه لفظی است. یعنی تمام آیات با موضوعی واحد، گرد می‌آیند؛ آنگاه با قرینه قرار دادن آیه و مقایسه آیات با یکدیگر، می‌توان، به نظری تفسیری از مجموع این آیات دست یافت (مختارآبادی، ۱۲؛ المیبدی، ۳۰۵). شاخه‌ای از تناسب آیات که قرینه پیوسته لفظی به شمار می‌آید و از جمله‌های قبل و بعد سخن در تفسیر استفاده می‌شود، سیاق آیات است (المیبدی، ۱۴۳۰هـ: ۲۶۹؛ مروتی، ۱۳۹۳: ۶۸؛ فتاحی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۸؛ الطیار، ۱۴۲۸هـ: ۱۰۱). قرائن پیوسته غیر لفظی، شامل بدیهیات عقلی و برهان‌های مبتنی بر آن، فضا و شرایط زمانی و مکانی صدور کلام است (مصباح، ۱۳۹۴ش: ۲/۱۴۳). اسباب نزول‌ها در این دسته از قرائن جای می‌گیرند. (المیبدی، ۱۴۳۰هـ: ۳۶۷؛ تابان، بی تا ۶۵؛ عبدالسمیع حسین، ۲۰۰۶م: ۹۲). قرائن ناپیوسته، شامل آیات قرآن، روایات معصومان (علیهم‌السلام)، دانش‌های بشری (مصباح، ۱۳۹۴ش: ۱۴۳/۲) و تاریخ می‌شود.

سیاق فضای معنایی است که از قرار گرفتن کلمات و جملات در کنار هم شکل می‌گیرد (زرکشی، ۱۴۱۰هـ: ۳۱۳/۲). ملاک قرینه

حصر، که به آن قصر هم می‌گویند، چیزی را به طور مخصوصی به چیز دیگر اختصاص دادن است، و یا اثبات حکم برای مذکور و نفی آن از غیر او است (سیوطی، ۱۴۲۶هـ: ۲/۱۶۳). آیت‌الله خامنه‌ای عبارت «وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ» (توبه/۸۸) را با استفاده از حصر در علم بلاغت چنین تفسیر کرده است: «جمله‌ی «وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ» حصریه است؛ یعنی اینها هستند که خیرات برای آنها است. خیرات و نیکی‌ها، یعنی خیر فتح و پیروزی مال آنها است؛ خیر لذت غلبه بر دشمن، خیر نام نیک و شرف دنیا و آخرت، و خیر رسیدن به جامعه اسلامی و محکم کردن آن نیز مال آنها است، که منافقان از همه‌ی اینها محرومند. از طرفی غفران آخرت نیز مال آنها است؛ اینها خیرات است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش: ۵۸۱).

تعطف که آن را مشاکله (المصری، ۱۳۶۸ش: ۱۹۰) نیز گویند به معنای، یادآوردن یک شیء با لفظ دیگر به جهت اینکه به طور تحقیقی یا تقدیری در مصاحبت آن آمده باشد (سیوطی، ۱۴۲۶هـ: ۲/۲۹۸). آیت‌الله خامنه‌ای در مورد آیه‌ی «سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لَتَعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رَجَسٌ وَ مَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ» (توبه/۹۵) بر این باور است که آیه با استفاده از آرایه‌ی تعطف در نهایت بلاغت قرار گرفته است:

«مراد از اعراض در جمله‌ی «لَتَعْرِضُوا عَنْهُمْ»، «اعراض نیک» است؛ یعنی منافقان می‌خواهند شما به نیکی از آنها اعراض کنید؛ یعنی برگردید و به آنها اعتراض نکنید؛ دشنام ندهید و آنها را سرزنش نکنید؛ اما آیه، با عبارت «فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ» اعراض را تکرار کرد و با این کار نهایت بلاغت به کار گرفت. چراکه از اعراض به نحوی بهره برد که عکس مقصود منافقان را افاده کند؛ یعنی آن را در معنای «روگرداندن بد» به کار برد. «آنها قسم می‌خورند تا به آنها کاری نداشته باشید؛ پس شما به آنها پشت کنید». قرینه‌ی استعمال اعراض در معنای نفی آن، جمله‌ی بعد است که فرمود: اینها نجسند و پلید: «إِنَّهُمْ رَجَسٌ»؛ یعنی به قیافه‌ی زیبا و معطرشان نگاه نکنید، آنها پلید و کثیفند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش: ۶۱۳).

در این تفسیر، علاوه بر قاعده‌ی لغت قرآن‌محوری قاعده قرینه‌محوری نیز مورد استفاده مفسر قرار گرفته است.

سیوطی که فصلی را به باب «استفهام» در کتاب «الاتقان» اختصاص داده، بیش از دیگران معانی مختلف و کاربردهای گوناگون را برای استفهام بیان نموده که در میان تمام معانی بیان شده، اشاره‌ای به معنای امر در استفهام نداشته است (سیوطی،

«در آیهی «إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي» از تقارن دو کلمه‌ی «خَرَجْتُمْ» و «جِهَادًا» می‌فهمیم که در این آیه «مبارزه با سلاح» اراده شده است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش: ۵۲۰).

در تفسیر دیگر برداشت غلط مفسران را ناشی از عدم توجه به سیاق آیه معرفی کرده است. ایشان گمان وجوب کم خندیدن و زیاد گریه کردن در آیهی «فَلْيَصْحَكُوا قَلِيلًا وَ لْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (توبه/۸۲) برای منافقان را به عنوان حکمی تکلیفی، درست ندانسته و با استفاده از سیاق آیات بر این باورست که گریه‌ی بسیار منافقان سزای عملی است که آن‌ها کسب کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش: ۵۵۶). مفسرگاهی، «سیاق آیات» را به «سیاق کلمات» برتری داده و نظر سایر مفسران، که به غلط بر «سیاق کلمات» مستند شده را با تکیه بر «سیاق آیات» پذیرفته است. در تفسیر «أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ» (توبه/۷۱) بیان داشته:

«بعضی مفسران به قرینه‌ی حرف «سین» در «سَيَرْحَمُهُمُ» گفته‌اند رحمت اخروی مراد آیه است؛ همان‌گونه که درباره‌ی رحمن و رحیم گفته شده. اما وقتی ما به آیه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این سخن، افزودن یک مطلب به آیه است؛ زیرا نمی‌گوید «سَيَرْحَمُهُمُ فِي الْآخِرَةِ»، یا «بِالْجَنَّةِ»، یا «بِرِضْوَانٍ». اگر بخواهیم به ظهور کلام خداوند احترام بگذاریم و اگر قیدی ندارد، از خودمان چیزی به آن وصله نزنیم و به سلیقه‌ی خود مطلبی اضافه نکنیم، لازم‌ه‌اش این است که بگوییم: خدا آنها را، هم در دنیا و هم در آخرت رحمت می‌کند. رحمت خدا در آخرت نعمتی است که خدا می‌دهد؛ از قبیل بهشت که ما آن را درک نمی‌کنیم، و رحمت خدا در دنیا سعادت است که از طرف دین به جامعه‌ی بشر داده می‌شود. رفاه زندگی و معیشت و ثبات نظام انسانی، به برکت آن چهار واجب انجام می‌شود. اگر مردم به این واجبات عمل کنند، بهشت خدا را در همین دنیا هم خواهند دید. برادر کشی‌ها، حقه‌ها، حسدها از بین خواهد رفت، که این رحمت خدا در دنیا است. اما رحمت خداوند در آخرت، بهشت جاودان است. این معنا گرچه با ظاهر این آیه سازگار است، اما با توجه به آیه‌ی بعد، انسان نسبت به آن مردّد می‌شود.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش: ۴۹۷).

مفسر، اما در ردّ نظر مفسران و در اثبات نظر خود با بهره از قرینه‌ی سیاق آیات (آیه بعدی) و بهره از «التأسیس اولى من التأكيد» مراد از رحمت در آیه‌ی ۷۱ سوره توبه را رحمت دنیایی می‌داند (همان).

آیت‌الله خامنه‌ای، در کاربرد دیگر سیاق، از این قرینه در تشخیص غایب یا مخاطب بودن فعل کمک گرفته و در تفسیر

بودن سیاق، زمانی است که نادیده گرفتن آن، فهم واژگان و جملات، هماهنگی و تناسب معنایی کلمه‌ها و جمله‌ها را خدشه‌دار می‌کند. در مواردی که معنای جمله‌ای بین معنای متناسب با سیاق مردّد است، به‌گونه‌ای که اراده‌ی هریک از آنها معقول باشد، سیاق، تأثیری در فهم معنا ندارد. اگر شدت تناسب معنا با سیاق به حدی باشد که آیه در آن معنا ظاهر و در معنای دیگر غیر ظاهر شود، در صورتی که دلیل معتبر دیگری بر تعیین یا ترجیح معنای غیر ظاهر در دست نباشد، معنایی که به حسب سیاق ظاهر است، مقدم می‌باشد؛ ولی اگر دلیل معتبری چه عقلی و چه نقلی وجود داشته باشد نمی‌توان این دلیل معتبر را به خاطر مخالف بودن با سیاق نادیده گرفت، بلکه با در نظر گرفتن آن دلیل معتبر، معنایی که در عین تناسب با سیاق ظهور کمتری دارد، متعین می‌شود (بابایی، ۱۳۹۹ش: ۱۲۲). پس سیاق، در حد قرینه است و نباید به عنوان قاعده‌ای مستقل به آن نگریست. سیاق به انواع سیاق کلمات، جملات، آیات و سوره‌ها قابل تقسیم است. زیرا گوینده‌ی دانا، در هیچ شرایطی از کلماتی که با آنها جمله‌ای می‌سازد، معنای نامتناسب اراده نمی‌کند (همان، ۱۲۵). آیت‌الله خامنه‌ای، از انواع سیاق کلمات و آیات استفاده می‌کند. دیگر مفسران، در آیه‌ی «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/۵۲) سیاق جملات و آیات را به کار گرفته‌اند و از سیاق کلمات، غفلت نمودند که مفسر در این خصوص بیان داشته است:

«در تفاسیر گفته‌اند مراد از این ضمیر «به»، قرآن است، با اینکه حالا کلمه‌ی قرآن در عبارت نیامده است که ضمیر به آن برگردد لکن، هم مرحوم طبرسی در «مجمع‌البیان» [گفته است]، هم مرحوم علامه‌ی طباطبائی؛ مرحوم علامه‌ی طباطبائی می‌گویند سیاق کلام نشان می‌دهد که مراد از «به» یعنی «بالقرآن»؛ بنده هم آنجا همین را در سخنرانی گفتم؛ بعد که آمدم، به ذهنم رسید که یک وجه اوضّحی در اینجا وجود دارد که «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ»، یعنی «بعدم الاطاعة»؛ عدم الاطاعة یعنی آن مصدری که فعل از آن انشقاق پیدا [می‌کند] و مستتر در آن فعل است؛ فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ، یعنی به این عدم الاطاعة، جِهَادًا كَبِيرًا؛ پس عدم الاطاعة شد جهاد کبیر؛ این معنا اقرب به ذهن است؛ جهاد کبیر یعنی این؛ جهاد برای عدم تبعیت، برای عدم دنباله‌روی از دشمن (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶).

مفسر، در تفسیر آیه‌ای از سوره ممتحنه با توجه به سیاق کلمات بیان داشته:

آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ» (توبه/۱۰۳) بیان داشته:

«بعضی «تُطَهِّرُهُمْ» را صیغه‌ی مؤنث مغایب گرفته‌اند؛ یعنی صدقه آنها را تطهیر می‌کند. اما بعضی گفته‌اند «تُطَهِّرُهُمْ» صیغه‌ی مذکر مخاطب است و خطاب به پیامبر(ص) یعنی تو ای پیامبر(ص)! صدقه را از آنها بگیر تا با «صدقه» آنها را پاک کرده باشی. این دوا احتمال در جمله‌ی دوم: «تُزَكِّيهِمْ بِهَا» مطرح نیست؛ چراکه ضمیر «بِهَا» به صدقه برمی‌گردد و «تُزَكِّيهِمْ» صیغه‌ی مخاطب است، و فاعل آن پیامبر(ص) ولی دیدیم که در جمله‌ی «تُطَهِّرُهُمْ» دو احتمال بود؛ بنابراین با توجه به وحدت سیاق دو جمله‌ی «تُطَهِّرُهُمْ» و «تُزَكِّيهِمْ» بهتر است بگوییم در هر دو جمله، روی سخن با پیامبر(ص) بوده و پیامبر(ص) فاعل این دو فعل است؛ یعنی تو ای پیامبر(ص)! با صدقه گرفتن آنها را تطهیر کن و رشدشان بده.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش: ۶۶۰).

همچنین در آیه «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ» (توبه/۴۰) در تشخیص مرجع ضمیر مفعولی «ه» در «نَصَرَهُ» از سیاق کمک گرفته و بیان داشته که منظور ضمیر، حضرت رسول(ص) است (همان، ۲۷۵).

مفسر با قرینه‌ی سیاق معنای لغت را در «عرف قرآن» به دست می‌آورده و در تشخیص معنای لغوی «مؤمن» (همان، ۶۹۵) و «صدقه» (همان، ۳۸۳) از این قرینه بهره برده است.

قرینه‌ی دیگر، سبب نزول است. سبب نزول، رویداد یا پرسشی است که به اقتضای آن، قسمتی (آیه یا آیات یا سوره‌ای) از قرآن کریم همزمان یا در پی آن نازل شده است. به مجموعه‌ی این رویدادها و پرسش‌ها «اسباب نزول» گفته شده است (بابایی، ۱۳۹۲: ۱۴۴). گرچه دانشمندان درباره‌ی قرینه بودن شأن نزول جداگانه سخن نگفته‌اند، ولی طبیعی و عقلایی بودن استفاده از این امور در تفسیر آیات، آشکار است (همان، ۱۵۴). مفسر با نظر به شأن نزول معنای کلمه «خوض» را در آیه «إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَ نَلْعَبُ» به «گفتگو» ترجمه نموده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش: ۴۳۱). در بیانی دیگر در آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ» با استفاده از دو قرینه‌ی سیاق و شأن نزول، معنای زیر را بیان نموده است:

«با توجه به وحدت سیاقی و شأن نزولی که در کتب روایی در ذیل این آیات وارد شده است، نتیجه‌ی منطقی و قهری این می‌شود که آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ» درباره‌ی همان غنائم جنگی است و اصلاً به زکات ارتباطی ندارد.» (همان، ۳۸۳).

از آنجایی که قرآن مطالب را در سوره‌های مختلف پراکنده آورده و آیات آن مرتبط بایکدیگر و ناظر به هم هستند، باید از سایر آیات به عنوان قرینه برای فهم بهتر آیات بهره برد (بابایی، ۱۳۹۲ش: ۱۹۲) مفسر در مورد آیه «وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ» (توبه/۴۷) با قرینه قرار دادن آیات در خصوص کلمه «ظالم» بیان داشته است:

«راه درک صحیح معانی لغاتی چون کافر، مشرک و ظالم مراجعه به موارد کاربرد آن در آیات است؛ در این صورت درک معنای وسیع این لغات امکان‌پذیر خواهد شد. در این آیه ظالم درباره کسانی به کار رفته است که شاید به ظاهر بر سر بچه‌ی یتیمی هم نزده بودند، اما با داشتن قیافه‌ی به ظاهر موافق، با هدف‌های عالی و کلی اسلام مخالف بودند و با آن مخالفت می‌کردند. مخالفت آنها این بود که پیغمبر(ص) به راه جهاد نمی‌رفتند و به خود و به حقیقت و به اجتماع ظلم می‌کردند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش: ۳۲۲).

مفسر از قرینه‌ی آیات در تشخیص معنای واژگان با عنوان «عرف قرآن» یاد می‌کند. در معنای کلمه‌ی «مؤمن» در آیه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» (توبه/۱۱۱) توضیح می‌دهد:

«مراد از «مؤمن» در عرف قرآن و حدیث، «فرد ایده‌آل اسلام» است؛ یعنی کارخانه‌ی عظیم اسلام آمده تا مؤمن بسازد. در این آیه نیز چنین انسانی مراد است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش: ۶۹۵).

از دیگر قرائن ناپیوسته، روایات معتبری است که قرینه بودن آنها از سه طریق اصول عقلایی محاوره، دلیل قرآنی و دلیل روایی قابل اثبات است (بابایی، ۱۳۹۲ش: ۱۹۶). از روایاتی که انتقان ندارند، نمی‌توان به عنوان قرینه‌ی فهم آیات متقن قرآن استفاده کرد. از این رو آیت الله خامنه‌ای در تفسیر، ابتداء، اعتبار روایت را تأیید کرده و سپس به عنوان قرینه از آن استفاده می‌کند. مفسر روایت علی بن ابراهیم قمی در شأن نزول آیه «وَ لَا تَصِلْ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَ لَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ» (توبه/۸۵)، با موضوع عبدالله بن ابی و پسرش را صحیح دانسته و آن را ضد روایات عامه می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۶۲). ایشان از قرینه‌ی روایات در تأیید دیدگاهی تفسیری، بیان شأن نزول، مفهوم‌شناسی اصطلاحات و تبیین مصداق واژه‌های قرآنی، استفاده کرده است (همان، ۳۷). برای مثال در مورد احتمالی تفسیری گفته است:

«ظاهر آیه گرچه موافق احتمال اول است، اما پاره‌ای از روایات احتمال دوم را تقویت می‌کند.» (همان، ۴۵۴).

باید منابع تفسیر معتبر باشند و اگر به اعتبار منابع اهمیت داده نشود، ممکن است مفسر در تفسیر و فهم آیات اشتباه کند. دوم، مفاهیم دریافتی از یک منبع، با سایر منابع هماهنگی داشته باشد و نباید، با منبعی موافق و با منبع معتبر دیگر مخالف و متناقض باشد یا آیت آنتیسیا. سوم، نباید در اعتباربخشی به منبعی خاص، راه افراط پیش گرفت. توجه بیش از حد به هریک از منابع، می‌تواند سنگ بنای گرایش غلطی از گرایش‌های تفسیری را بنیان نهد و از دایره قاعده منبع‌محوری خارج خواهد شد. این منابع تفسیر عبارتند از:

الف) منابع نقلی: منابع نقلی عبارتند از: آیات، روایات، منابع لغوی، منابع تاریخی، تفاسیر گذشته.

ب) منابع عقلی: عقل، نقش‌ها و تعریف‌های مختلفی در تفسیر دارد. گاه نقش ابزاری داشته و معنای آیه را از جمع‌بندی آیات و روایات و سایر منابع می‌فهمد. در این صورت، عقل نقش تحلیلگری و روشنگری دارد. گاه نیز دارای نقش منبعی است، یعنی همان ادراکات بدیهی یا نزدیک به بدیهی که خداوند در همه انسان‌ها قرار داده و علوم متعارفه، منبع تفسیر و کشف مرادات الهی است. منبع بودن عقل در تفسیر قرآن در مواردی همچون نقش سلبی، نقش ایجابی، نقش توضیحی و کشف لوازم عقلی قابل توجه است (دایرةالمعارف قرآن، ۱۳۸۲ ش: ۵۷/۸).

ج) منابع علمی: این منابع عبارتند از: منابع ادبیات عرب - شامل صرف و نحو و علوم بلاغی -، علم کلام، علم منطق، علم فقه و اصول فقه، علوم حدیث - شامل درایه، فقه الحدیث، رجال و تاریخ حدیث - و سایر علوم انسانی و علوم تجربی (همان).

د) اجماع مفسران: در پذیرش یا عدم پذیرش اجماع، به عنوان منبعی برای تفسیر، اختلاف وجود دارد. (شاکر، ۱۳۸۲ ش: ۱۰۶). در این تحقیق، اجماع فقط منبعی برای تفسیر آیات الاحکام نیست. زیرا میان اجماع فقها و اجماع مفسران تفاوت وجود دارد. فقها در اجماع به دنبال کشف قول معصوم هستند ولی در تفسیر، مفسران به دنبال پیام صحیحی از آیاتند که براساس نظام روش تفسیر به دست آمده است. از این‌رو زمانی که در اجماع مفسران به موضوع‌های فقهی می‌رسیم همان شرایط اجماع که در ادله اربعه مورد پذیرش فقهاست - همچون کشف قول معصوم - برای حجیت اجماع لازم است؛ اما اگر در قالب روش‌های تفسیری با مبانی مشخص و در قالب قواعد و موافق با سایر منابع، از آیه‌ای، تفسیری ارائه شود و مفسران در ارائه‌ی این تفسیر، نظر مشترکی داشته باشند، اجماع مفسران تحقق یافته است و می‌تواند مورد استناد قرار بگیرد. شیخ طوسی در التبیان (طوسی، بی‌تا: ۸۷/۲؛ ۳۱/۳؛ ۱۰۰/۳) طبرسی در مجمع

عقلا در برخی موارد به جای قرائن لفظی در کلام خویش، مقصود خود را با اتکا به قرائن غیرلفظی ارائه می‌کنند. برخی از این قرائن، بدیهیات عقلی و برخی برهان‌های قطعی مبتنی بر بدیهیات است (مصباح، ۱۳۹۴ ش: ۱۲۸/۲). برای مثال از نظر برخی، در فهم آیه‌ی «يَا مُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه/۷۱) آشنایی با معروف و منکر و شناخت آنها از شرایط امر به معروف است. از این‌رو وجوب امر به معروف به فرد عالم اختصاص دارد. زیرا بدون شناخت معروف و منکر، نمی‌توان امر و نهی کرد. پس این فریضه مختص عالم است و به غیر عالم واجب نیست. اما آیت‌الله خامنه‌ای به این اشکال عقلی با دلیل عقلی چنین پاسخ داده است:

«تحصیل علم لازم است، و علم، شرط وجوب نیست، بلکه شرط واجب است و مشروط بودن واجب، مفاد آیه را محدود نمی‌کند، بلکه این شرط، واجب دیگری برای ما درست می‌کند و آن اینکه، همه مردم باید معروف و منکر را در دین بشناسند و به اصول اسلام عالم شود.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ ش: ۴۷۱).

در تفسیر قرآن، از قرائن مهم در قاعده‌ی قرینه‌محوری حوادث تاریخی هنگام نزول و پس از نزول قرآن است. قرینه حوادث، گاهی علت وضع احکام و جغرافیای ایجاد کلام را روشن می‌سازد تا فهم درستی از آیه به دست آید. مفسر در ردّ قرائت غیر مشهور از آیه‌ی «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» (توبه/۷۳) از قرینگی تاریخ استفاده کرده است:

«برای ابطال قرائت غیر مشهور «جَاهِدِ الْكُفَّارَ بِالْمُنَافِقِينَ»، از تاریخ زندگی پیامبر استفاده می‌کنیم؛ چون شما کجا در تاریخ دیده‌اید که پیامبر، منافقان را به جنگ کفار برده باشد؟» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ ش: ۵۲۰).

منبع محوری

تبیین مراد استعمالی و مراد واقعی آیات باید به امور قطعی، اطمینان‌بخش و از نظر عقلا قابل اعتماد، متکی باشد؛ زیرا اگر شواهد، ظنی و محتمل باشند؛ نمی‌توان براساس آن مفاد آیات را کشف کرد و به خدا نسبت داد (فرزندوحی، ۱۳۹۳ ش: ۱۵۵). این قاعده‌ی تفسیری با تکیه بر علم و منابع علمی به دنبال پیشگیری از استحسان مفسر است. اهمیت و گستره‌ی کاربردی این قاعده، تا جایی است که برخی به اشتباه، روش‌های تفسیری را به منابع تفسیری تعریف نمودند. باید از منابع به طور صحیح استفاده کرد تا فهم آیات به پشتوانه‌ی اعتبار منابع، حجت باشد. در استفاده از منابع برای تفسیر آیات، توجه به چند نکته ضروری است. نخست آنکه،

تاریخی و روایی و استنباط عقلی، نابودی مسجد ضرار را در تفسیر آیهی «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه/۱۰۷) کاری درست و به‌هنگام دانسته است:

«ما از این آیه استنباط می‌کنیم که هر جا دیدید یکی از مسائل دین و شعائر اسلامی، محتوای حقیقی و لبّ واقعی خود را ندارد، بلکه در جهت عکس حقیقت خود به کار رفته، باید آن را کوبید و ذلیل کرد. مسجد همچنین است. تا آن روز که مسجد در راه حکومت و عدالت اسلام به کار برود، مسجد است؛ اما اگر عدالت در آن ذبح شود، دیگر مسجد نیست؛ لذا باید کوبیده شود و نابود گردد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش: ۶۸۵).

اصول محوری

وجه مشترک فقهاء و مفسران در استنباط و اجتهاد آنان است. این اجتهاد در قالب قوانینی کلی، ثابت و کاربردی انجام گرفته که در فقه با نام اصول و در تفسیر با نام قواعد از آنها یاد می‌شود. بخشی از این قوانین که مربوط به لفظ هستند برای مفسر و فقیه یکسانند. این قوانین لفظی مشترک بین اصول فقه و تفسیر و هر حکم ظاهری که مجرایش الفاظ باشد، اصول لفظیه نام دارد. اصول لفظیه به دلیل بنای عقلا حجت‌اند؛ زیرا عقلای عالم برای مثال در خطابات و گفتگو، به ظاهر کلام عمل کرده و به احتمال‌های خلاف ظاهر مانند احتمال غفلت، خطا، شوخی و... توجه نخواهند کرد (قلی‌زاده، ۱۳۹۱ش: ۱۰۲). اصالت اطلاق، اصالت حقیقت، اصالت ظهور، اصالت عدم اشتراک، اصالت عدم تقدیر، اصالت عدم نقل، اصالت عموم، از جمله اصول لفظیه مشترک بین فقه و تفسیر هستند. در تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای به اصالت عدم تقدیر و اصالت اطلاق اشاره شده است.

الف) اصالت عدم تقدیر: اگر از متکلم کلامی صادر شود و مخاطب احتمال دهد که چیزی در کلام او در تقدیر باشد ولی یقین ندارد، در چنین موردی اصالت عدم تقدیر را جاری می‌کنند و می‌گویند چیزی در تقدیر نیست. مفسر در تفسیر «سَيَرَحْمُهُمُ اللَّهُ» (توبه/۷۱) - که توضیح آن آمد - به این اصل اشاره داشت (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش: ۴۹۶).

ب) اصالت اطلاق: اگر کلام مطلق از مولا صادر شده و این کلام قابلیت تقیید را دارد و مخاطب احتمال می‌دهد که متکلم، مطلق را مقید کرده است؛ اما یقین ندارد، در اینجا به اصالت اطلاق تمسک می‌شود (قلی‌زاده، ۱۳۹۱ش: ۷۶). مفسر در نگاهی به

البیان (طبرسی، بی‌تا: ۱۲۳/۲؛ ۲۸۹/۲؛ ۲۹۶/۱۲) و علامه طباطبایی در المیزان (طباطبایی، ۱۳۷۴؛ ۲۵۰/۱۹؛ ۱۴۱/۲۰؛ ۵۱۹/۲۰)، فراوان به استناد نظر اجماع مفسران، آیات را تفسیر نمودند. شیخ طوسی (ره) در مقدمه‌ی تفسیرش به این موضوع اشاره دارد که در صورت تحقق اجماع، پیروی از آن اجماع واجب است و بیان داشته که «فیجب اتباعه لمكان الإجماع» (طوسی، بی‌تا: ۶/۱). آیت‌الله خامنه‌ای از منابع مورد اشاره، بهره برده و درخصوص بهره از منابع لغوی، سایر تفاسیر و دایرةالمعارف‌ها چنین گفته:

«سخن دیگر درباره‌ی معنای لغوی صدقه و اصطلاح شرعی آن است. معمولاً کتب لغت، معنای واضح و روشنی که نزدیک به ماده‌ی صدقه باشد، به دست نمی‌دهد. «تفاسیر» نیز اصلاً برای صدقه معنای خاصی ذکر نکرده‌اند و نگفته‌اند که صدقه چه نوع انفاقی است و به چه مناسبت به آن صدقه می‌گویند. همچنین کتاب «مجمع البحرين» نیز که متکفل بیان معنای لغات آیات و روایات است، در این باره به ما کمکی نمی‌کند... «مفردات راغب» و «دائرةالمعارف اسلامی» می‌گویند صدقه از ریشه‌ی «الصدق» به معنای راست گفتن است. صدقه، یک نوع انفاق مالی است که نوع و طرز آن مشخص نیست. به این نوع انفاق مالی، به این دلیل صدقه می‌گویند که انفاق کننده با عمل خودش، قول خودش را که ایمان به خدا است، تصدیق می‌کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش: ۳۸۴).

مفسر، پس از بررسی سایر منابع نقلی در تفسیر، چنین بیان نموده است:

«برخی مفسران قدیم و جدید، مانند فخر رازی و زمخشری تا رشیدرضا بحث کرده‌اند که مگر پیغمبر (ص) گناهی کرده بود که خدا او را عفو کند. بعضی گفته‌اند: پیغمبر ترک اولی کرده بود. یک عده هم گفته‌اند: تعبیر «عَفَا اللَّهُ عَنْكَ» شوخی بوده؛ نه جدی! از این قبیل مطالب، خیالاتی کرده‌اند.» (همان، ۳۰۴).

آیت‌الله خامنه‌ای، از منبع فقهی، نیز بهره برده است. در تفسیر آیه‌ی ۷۱ سوره توبه، اشتباه مفسران در معنای «جهاد» را در خلط معنای فقهی و اصطلاح قرآنی آن می‌داند. با اشاره به معنای فقهی جهاد در نظر «صاحب جواهر» و کتاب‌های «الروضة البهیة» و «مسالك الافهام» شهید ثانی که مراد از جهاد فقهی را «مبارزه‌ی مسلحانه» دانسته است؛ مراد آیه را جهاد فقهی نمی‌داند و جهاد را به مطلق مبارزه معنا نموده است (همان، ۵۱۶).

عقل، منبعی نیست که بتوان به آن ارجاع داد بلکه با مطالعه‌ی منابع و تأمل‌های که مفسر در آیات داشته، میزان بهره‌ی مفسر از این منبع قابل بررسی است. آیت‌الله خامنه‌ای با مطالعه‌ی منابع

منابع

قرآن کریم.

ابن فارس، احمد بن زکریا الرازی (۱۴۲۰ هـ). **معجم مقاییس اللغة**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۳۰ هـ). **لسان العرب**. بیروت: دارصادر.
آخوند، سکینه (۱۳۹۶ ش). **امام رضا و قواعد تفسیری**. بینات سال بیست و چهارم شماره ۱ و ۲ (پیاپی ۹۳ و ۹۴). ۱۰۱-۱۱۶.
بابایی، علی اکبر. عزیزی کیا، غلامعلی. روحانی راد، مجتبی. رجبی، محمود (۱۳۹۲ ش). **روش شناسی تفسیر قرآن**. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

پهلوان، منصور. فائز، قاسم. خبیری، عباس (۱۳۹۲ ش). **مفهوم شناسی جری و انطباق و باطن قرآن براساس روایات**. فصلنامه سراج منیر، سال ۴، شماره ۱۳. ۷-۳۰

تابان، جعفر (بی تا). **قواعد مورد نیاز مفسر**. مجله مربیان، سال (۷). شماره ۳۲. ۵۵-۷۰

تهرانی، شیخ آقا بزرگ (بی تا). **الذریعه إلى تصانیف الشیعه**. ایران: کتابخانه اسلامی.

خالصی مقدم، محمد هادی؛ قاسم پور، محسن (۱۳۹۹ ش). **نقد عقیده اخباریان با قواعد برآمده از روایات تفسیر عصری**. علوم حدیث، شماره ۹۵. ۸۸-۱۱۳

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶ ش). **بیان قرآن (تفسیر سوره‌ی براءت)**. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

-----، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، KHAMENEI.IR

رادمراد، عبدالله؛ رحمانی، هما (۱۳۹۱ ش). **کاربرد التفات در بافت کلام الهی**. فصلنامه لسان مبین، سال (۳) دوره‌ی جدید، شماره هشتم. ۸۰-۱۱۳

الزکشی، محمد بن عبد الله (۱۴۱۰ هـ). **البرهان فی علوم القرآن**. بیروت: دار المعرفة.

السبت، خالد بن عثمان (۱۴۲۶ هـ). **قواعد التفسیر جمعاً و دراسه**. ریاض: دار ابن القیم - دار ابن عفان.

سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۶ هـ). **الاتقان فی علوم القرآن**. تحقیق فواز احمد زمرلی، بیروت: دارالکتب العربی.

شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۲ ش). **مبانی و روشهای تفسیری**. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ ش). **ترجمه تفسیر المیزان**. ترجمه محمد باقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (بی تا). **ترجمه تفسیر مجمع البیان**. تحقیق محمد مفتاح، ترجمه احمد بهشتی، تهران: نشر فراهانی.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. تصحیح احمد حبیب عاملی، لبنان: دار إحياء التراث العربی.

«اصالت اطلاق» در مورد جواز تخصیص کتاب با سنت یا با خبر واحد بیان داشته:

«آیه ظهوری دارد و به حسب متفاهم عرفی، مطلب ظاهری از آیه استفاده می‌شود که باید اول آن را به دست آوریم و اگر از آن چیزی نفهمیدیم باید به روایاتی که در ذیل آیه است رجوع کنیم تا معنای آیه برای ما روشن شود؛ یا اگر از آیه چیزی نفهمیدیم که عام یا مطلق بود و در روایات، مخصص یا مقید آن آمده بود؛ چون عام قرآن تخصیص‌پذیر است و مطلق قرآن تقییدپذیر، به مخصص و مقیدی که در روایات آمده عمل می‌کنیم. آنچه برای ما در فهم معنای آیه مقبول است اول خود آیه و بعد روایاتی است که در ذیل آیه وارد شده.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ ش: ۳۸۱).

اگر مقیدی برای آیه عام در روایت نیامده باشد، باید به اصالت اطلاق عمل نمود؛ اما اگر مقید و مخصص عام قرآن در روایات معتبری وجود داشت، اصالت اطلاق کاربردی ندارد.

نتیجه‌گیری

روش یا سبک تفسیری شیوه‌ی نظامندی است که از مبانی آغاز و با به‌کارگیری قواعد، از منابع عقلی، نقلی و علمی، معانی آیات، را استنباط می‌کند و تفسیر را در شکل‌های ترتیبی، موضوعی، تجزیه‌ای یا ترتیبی - موضوعی ارائه می‌دهد. قواعد عام، خطای در اصل تفسیر را کاهش داده ولی در مصونیت روش و گرایش تفسیری از خطا نقش ندارند و قواعد خاص، قوانینی‌اند که علاوه بر تفسیر، به حرکت درست مفسر در مرز روش و گرایش تفسیری‌اش از خطا مصونیت می‌بخشند. برخی از قواعد عام که در تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای به کار گرفته شده، عبارتند از: لغت قرآن‌محوری، قرینه‌محوری، منبع‌محوری و اصول‌محوری. برای نمونه، مراد از قاعده اصول‌محوری، قواعد مربوط به لفظ است که در دانش اصول فقه و دانش تفسیر، مشترک هستند و شامل اصول لفظیه‌ای همچون اصالت اطلاق، اصالت حقیقت، اصالت ظهور، اصالت عدم اشتراک، اصالت عدم تقدیر، اصالت عدم نقل، اصالت عموم می‌شوند. آیت‌الله خامنه‌ای از این قوانین تفسیری در پیام‌گیری از آیات استفاده کرده است.

قلی‌زاده، احمد (۱۳۹۱ش). *فرهنگ اصطلاحات اصول فقه*. قم: نشر تحسین.

کمالی دزفولی، سیدعلی (۱۳۵۴ش). *قانون تفسیر*. تهران: کتابخانه صدر.
مختآبادی، مهسا (۱۳۹۴ش). *بررسی و ارزیابی تفسیر تنزیلی (مبانی، اصول، قواعد و فواید)*. فصلنامه نقد کتاب قرآن و حدیث، سال (۱)، شماره ۴. ۲۰-۵

مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲ش). *دایره المعارف قرآن کریم*. قم: نشر بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

مروتی، سهراب. زینی وند، مجتبی. آسا، حسین (۱۳۹۳ش). *روش شناسی به کارگیری قاعده سیاق در تفسیر تسنیم*. مشکوه، شماره (۱۲۲). ۸۲-۶۸.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ش). *قرآن شناسی*. تحقیق غلامعلی عزیزی کیا. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
المصری، ابن ابی الاصبغ. میر لوحی، سید علی (۱۳۶۸ش). *بدیع القرآن*. مشهد: آستان قدس.

المیبدی محمد فاکر (۱۴۳۰ هـ). *قواعد التفسیر لدی الإمامیه وأهل السنّه*. ایران: نشر المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیة.
ناصری راد، علی (۱۳۹۴ش). *کامل ترین تلخیص جواهر ابلاغه*. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

References

- Holy Quran
Aakhund, Sakineh (2016). *Imam Reza W Qawaeid Tafsiyr*. Bina, year 24, numbers 1 and 2 (93 and 94 respectively). 101-116.
Abdul Samie Hussein, Imad Ali (2006 AD). *Altaysyr Fay Asul Watijahat Altafsir*. Alexandria: Dar Al-Iman.
Al Farahidi, Khalil bin Ahmad (1414 AH). *Al-Ain book*. Mehdi Al-Makhzoumi and Ebrahim Al-Samarai's research, edited by Asad Al-Tayeb, Qom: Osweh Publications.
Al-Ak, Khaled Abdul Rahman (1406 AH). *Asul Altafsiyr W Qawaeiduhu*. Damascus: Dar Al-Nafaes.
Al-Fayoumi, Ahmed bin Muhammad bin Ali (beta). *Almisbah Almunir Fi Gharib Alsharh Alkabir*. Egypt: Dar Al Maaref.
Al-Masry, Ibn Abi Al-Asba. Mir Louhi, Sayyid Ali (1368 AH). *Badi al-Qur'an*. Mashhad: Astan Quds.
Al-Maybdi Muhammad Fakir (1430 AH). *Qawaeid altafsir ladaa al'iimamiat wa'ahl alsnn*. Iran: Publication of the International Council for the Rapprochement of Islamic Sects.
Al-Sabbat, Khalid bin Othman, (1426 AH). *Qawaeid altafsir jamean W Dirasuh..* Riyadh: Dar Ibn al-Qayyim - Dar Ibn Affan.

الطیار، مساعد بن سلیمان (۱۴۲۸ هـ). *شرح مقدمه فی اصول التفسیر لابن التیمیه*. القاهرة: دارابن الجوزی.

عبدالسمیع حسین، عماد علی (۲۰۰۶م). *التیسیر فی اصول و اتجاهات التفسیر*. الاسکندریه: دارالایمان.

عزیزان، میثم؛ تجری، محمدعلی (۱۳۹۹ش). *بازتعریف اصطلاح روش تفسیر*. علوم قرآن و حدیث، دوره (۵۲)، شماره یک. ۲۰۶-۱۸۵
العک، خالد عبدالرحمن (۱۴۰۶ هـ). *اصول التفسیر و قواعدہ*. دمشق: دارالنفاثس.

فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۸۹ش). *مبانی و قواعد تفسیری علامه شاعرانی*. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال (۷)، شماره دوم. ۶۳-۳۳
فتح الهی، ابراهیم. *اصطلاح شناسی در علم تفسیر (مبانی، اصول، قواعد)*. پیک نور، سال (۶)، شماره چهارم. ۳۰-۱۹.

الفراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ هـ). *ترتیب کتاب العین*. تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرای، تصحیح اسعد الطیب، قم: انتشارات اسوه.
فرزندوحی، جمال؛ جوانمرد، بیژن؛ قادریان، احمد (۱۳۹۳ش). *قواعد تفسیر در سخنان معصومین*. فصلنامه تخصصی تفسیر، علوم قرآن و حدیث، سال (۶)، شماره بیست و یک. ۱۴۷-۱۶۹.

القیومی، أحمد بن محمد بن علی (بی‌تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*. مصر: دارالمعارف.

- Al-Tayyar, Musaead bin Suleiman (1428 AH). *Sharah Muqadamuh Fi Asul Altafser*. Cairo: Dar Ibn al-Jawzi.
Al-Zarkashi, Muhammad bin Abdullah (1410 AH). *Alburhan Fi Eulum Alquran*. Beirut: Dar Al-Ma'rifa.
Azizan, Meysam; Tajri, Muhammad Ali (1399 AH). *Definition of the term Rosh Tafsiir*. Qur'anic and Hadith Sciences, Cycle (52), Shamara Yek. 185-206.
Babaei, Ali Akbar. Azizi Kia, Gholam Ali. Rouhani Rad, Mojtabi. Rajabi, Mahmoud (2012). *Rosh Shanasi Tafsiir*. Tehran: Research Institute of Hoza and University.
Farhang Center and Qur'anic Knowledge (1382 AH). *Dayirat Almaearif Quran karim*. Qom: Bostan published the book (Distributions of the Islamic Notice Book of the Qom Seminary).
Farzdouhi, Jamal; Jawanmard, Bijan; Qadirian, Ahmed (2013). *The rules of interpretation in the words of the innocent*. Specialized Quarterly Journal of Tafsiir, Qur'an and Hadith Sciences, year (6), number 22.147-169.
Fath Elahi, Ibrahim. *Terminology in the science of interpretation (basics, principles, rules)*. Beck Nour, Year (6), Shamaret Chaharam. 19-30.

- Fattahizadeh, Fathia (1389 A.H.). **Buildings and rules of interpretation by Allama Shaarani**. Investigations of the sciences of the Qur'an and Hadith, Year (7), Shamara Dom. 33-63. .
- Ibn Faris, Ahmad bin Zakaria al-Razi (1420 AH). **Muejam Muqayys Allughah** Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah.
- Ibn Manzur, Muhammad bin Makram (1430 AH). **Lisan Alearab**. Beirut: Dar Sader.
- Kamali Dezfuli, Sayyid Ali (1354 AH). **Qanun Tafsir**, Tehran: Kitabkhana Sadr.
- Khalsi Moghadam, Mohammad Hadi; Qasimpour, Mohsen (2019). **Criticism of Akhbarian opinion with rules derived from modern interpretation traditions**. Hadith Sciences, No. 95. 88-113.
- Khamenei, Seyyed Ali (2016). **Bayan of Quran(Interpretation of Surah Ba'rat)** Tehran: Islamic Revolution Publishing House.
- , The information base of the Office for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Seyyed Ali Khamenei, **KHAMENEI.IR**
- Makhtaabadi, Mahsa (1394 AH). **Bararsi and Arziyabi Tafsir Tanzili (buildings, principles, rules and benefits)**. Faslnamah: Criticism of the Book of the Qur'an and Hadith, Sal (1), Shamara 4. 5-20.
- Maruti, Sohrab. Zainivand, Mojtaba. Asa, Hussein (1393 AH). **Methodology of applying the context rule in Tasnim interpretation**. Mashkouh, Shamara (122). 68-82.
- Mesbah Yazdi, Muhammad Taqi (1394 A.H.). **Qur'an Shinasi**, edited by Gholam Ali Azizikiya. Qom: Publications of the Imam Khomeini (may God rest his soul) foundation.
- Nasiri Rad, Ali (1394 AH). **Cameltrain Talakhays Jawahir Albalaghih**. Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyya Publications.
- Pahlavan, Mansour. Faiz, Qasim. Khabeiri, Abbas (2012). **The concept of Jari W Tatbiq W Batinia Qur'an Bar Asa Hadiths**. Siraj Munir Quarterly, Year 4, Number 13. 7-30.
- Qalizadeh, Ahmad (1391 A.H.). **Farhang Aistilahat Asul Fiqh**. Fundamentals of Jurisprudence. Qom: Nashart Hussein.
- Radmorad, Abdullah; Rahmani, Homa (۲۰۱۳). **The use of Turn around in The Context Of The Divine Word**. Lasan Mobin Quarterly, year (۳) of the new period, number eight. 113-80.
- Shaker, Mohammad Kazem (2012). **Basics and Methods of Interpretation**. Qom: World Center of Islamic Sciences.
- Suyuti, Jalal al-Din (1426 AH). **Alaitiqan Fay Eulum Alquran**. Edited by Fawaz Ahmad Zamruli, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Taban, Jafar (No date). **Qawaeid Mawrid Nayaz mofaser**. Educators magazine, year (7). Number 32. 55-70.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan (No date). **Tarjamah Tafsir Majmae Albayan**. Mohammad Muftah's research, translated by Ahmad Beheshti, Tehran: Farahani Publishing.
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hossein (1374).). **Tarjamah Tafsir al-Mizan**. Translated by Mohammad Baqer Mousavi, Qom: Qom Theological Seminary Society.
- Tehrani, Sheikh Agha Bozor (No date). **Alzarieah Iilaa Tasanif Alshiyeha**. Iran: Islamic Library.
- Tusi, Muhammad bin Hassan (No date). **Altibyan Fi Tafsir Alquran..** Corrected by Ahmed Habib Ameli, Lebanon: Arab Heritage Revival House.